

تبیین طرح مردمی سازی یارانه ها

اشاره

آنچه پیش رو دارید متن سفرانی دکتر محمد قربانی سفنگوی طرح مردمی سازی یارانه ها در وزارت جهاد کشاورزی و استاد دانشگاه فردوسی مشهد می باشد که در جلسه ی شورای تحلیل معاونت تبیین و گفتمان سازی جهاد تبیین ایراد شده است. نظر به اهمیت مسائل مطروحه، متن این سفرانی جهت بهره برداری تقدیم می گردد.

اولین سؤالی که شاید در ذهن شما عزیزان باشد این است که چرا طرح مردمی سازی یارانه ها با این تعجیل آغاز و اجراء شد و به رسانه ها و صداوسیما مجال کافی داده نشد تا در توضیح و توجیه طرح نوعی آمادگی اجتماعی را در مردم ایجاد کنند و باصطلاح پیوست اجتماعی طرح ایجاد شود سؤال بعدی این است

که الزامات پیش و پس از اجرای طرح چه بوده است؟ و سؤالات دیگری که من تلاش می‌کنم در حین بحث به آن‌ها بپردازم.

یک سیاست غلط اقتصادی از سال ۱۳۹۷ در کشور ما در خصوص کالاهای اساسی اتخاذ شد که به‌ویژه در بخش کشاورزی اثرات آن بیشتر نمایان می‌شود. در کشورهایی که این قبیل طرح‌ها اجراء شده و یارانه داده می‌شود عمدتاً این یارانه‌ها جهت دار است یعنی هدفمند و یا نتیجه‌گراست، در واقع یارانه کاملاً مشخص هزینه می‌شود اما متأسفانه در کشور ما یارانه به واردکننده داده شده است و حال آن که با ملاحظه به تجربه جهانی مشاهده می‌کنیم که هیچ کشوری چنین عمل نکرده و یارانه را به واردکننده پرداخت نکرده است. در واقع در این تجربه جهانی، یارانه به تمام بخش‌های زنجیره از تولید تا مصرف‌کننده و یا صرفاً به جامعه هدف یعنی مصرف‌کننده نهایی پرداخت شده ولی در ایران بدون توجه به این تجربه جهانی، تجربه‌ی جدیدی را اجراء کردند که ما آن را یک سیاست بد بدون تجربه جهانی می‌دانیم. مشکلاتی که امروز مشاهده می‌کنیم نتیجه این سیاست غلط است.

به طور واضح تر قرار بود ارز ۴/۲۰۰ هزار تومانی در دو نقطه اثرات خود را در اقتصاد و سفره مردم نشان دهد: ۱) کاهش هزینه‌های تولیدکننده در کشاورزی

۲) تقویت تولید در داخل. اما عملاً چه اتفاقی افتاد؟ اول اینکه شاخص بهای تولیدکننده بخش کشاورزی افزایش پیدا کرد یعنی عملاً تورم در بخش تولید افزایش یافت و ۲- تمام منابع مادی کشور به جهت واردات رفت، یعنی هرچه ارز ۴/۲۰۰ تومانی داشتیم به جای مصرف در بخش کشاورزی و تقویت تولید داخلی، سوق پیدا کرد به سمت واردات و در نتیجه نرخ سرمایه گذاری در بخش کشاورزی به عنوان مهمترین منبع تأمین غذا منفی شد و کل آن از ۴٪ فراتر رفت و این به معنای آن است که در بخش سرمایه گذاری برای توسعه کشاورزی اتفاقی نخواهد افتاد و تنوع بخشی به محصولات از رونق افتاده و تأمین بخش مالی کشاورزی حاصل نخواهد شد و بهره وری در کشاورزی به شدت افت پیدا کرد. به عنوان مثال تولیدکننده دام و طیور دو کیلو و ۱۰۰ گرم نهاده دامی می گیرد و به ازای آن یک کیلوگرم گوشت تحویل می دهد و حال آن که در دنیا این نرخ چقدر است؟ تولیدکننده دام و طیور یک کیلو و ۶ دهم گرم نهاده می گیرد و به ازای آن هم یک کیلو گوشت تحویل می دهد، این مسأله در بخش زراعت هم با همین فرمول تکرار می شود.

متأسفانه در این فرآیند به موازات دشمنان بیرونی، دشمنان نقطه زن داخلی هم با این تصمیم گیری غلط تمام زیرساخت های تولیدی و اقتصادی کشور را

هدف قرار داده و نابود می‌کنند و متأسفانه در این چند سال اخیر ردیفی بودجه که متکفل خودکفایی گندم بود حذف می‌شود و تقویت تولید داخلی هم موضوعیت خود را از دست می‌دهد و نتیجه آن که متأسفانه بخش مهمی از زیرساخت های تولیدی واقعاً نابود شدند و این اتفاق بد رقم خورد که مدیران انقلابی هم بر ریل ناخودی های نقطه زن حرکت کردند و به رخ دادن این اتفاق بد کمک کردند و نتیجه ای که حاصل می‌شود عملاً این است که بخش کشاورزی در چرخه عدم ارتقاء بهره وری گرفتار و تزریق فقر در بخش کشاورزی و روستایی انجام می‌شود، کشاورزان زمین هایشان را می‌فروشند و به تغییر کاربری تشویق می‌شوند. چرا؟ زیرا ادامه فعالیت برای آن ها هیچ توجیه اقتصادی ندارد. اتفاق بد دیگری که افتاده این بوده است که زیرساخت های صادراتی ما تقویت نمی‌شود بلکه زیرساخت های وارداتی قوی تر می‌شوند و در عمل حمایت از سیاست‌های تقویت داخلی در حاشیه قرار می‌گیرد و قیمت گذاری‌هایی هم که انجام می‌شود تأمین کننده بخش داخلی ما نیست یعنی به نوعی به کشاورز پیام می‌دهد که تولید را رها کن و زمین کشاورزی ات را تغییر کاربری بده. پس ملاحظه می‌فرمائید که به واسطه اجرای این سیاست غلط

اقتصادی در سال ۱۳۹۷ چه اتفاق بدی در عرصه تولید و تقویت تولید رخ داده است.

سوال بعدی این است که چرا ما در اجرای طرح تعجیل داشتیم؟ این تعجیل به چند نکته برمی گردد؛ در یک سال گذشته به علت خشکسالی و افزایش قیمت های انرژی و جنگ اوکراین، هزینه واردات ما خیلی بالا رفته است، ما افزایش ۳۵ تا ۶۰ درصدی قیمت غلات را در جهان داشته ایم و همین باعث شده بود که ما هرامه دلار بیشتری پرداخت کنیم و به ازای آن نهاده کمتری وارد کنیم. پیش بینی ها هم این است که تا ۵ سال آینده این وضعیت تداوم خواهد داشت و در حال حاضر هم بسیاری از کشورها متأثر از شرایط جهانی، سیاست های تجاری و اقتصادی شان را تغییر داده اند، مثلاً در دی ماه سال گذشته بود که متوجه شدیم هند رفتار خاصی را از خودش بروز می دهد و هرچه در بازار جهانی کود اوره وجود دارد جمع آوری می کند و یا برزیل بطور غیر مترقبه از ما کود اوره می خواهد و یا هند صادرات غله اش را به دنیا متوقف کرده است و خلاصه آن که متوجه شدیم که اتفاقات جدیدی در دنیا در حال رقم خوردن است و قیمت غذا در دنیا قطعاً گران خواهد شد. تمامی قرائن و شواهد نیز این مسأله را تاکید می کرد که نظم نوین جهانی مبتنی بر غذا در حال شکل گیری است که

سه کشور آمریکا، روسیه و چین در این نظم جدید نقش اساسی ایفا خواهد کرد. ببینید آمریکا تولید ناخالص داخلی اش ۲۱ تریلیون دلار، چین ۱۸ تریلیون دلار و روسیه نزدیک به ۱۹ تریلیون دلار می باشد و چین در فرصت پنج ماهه اخیر، به شدت ذخایر داخلی خود را افزایش داده است. این سه کشور با نوعی اقتدار در حاکمیت غذا به دنبال نقش آفرینی هستند و این مطالب که سابقاً گفته می شد که جنگ آینده، جنگ غذا خواهد بود و غذا به نوعی سلاح خواهد بود در حال خودنمایی می باشد.

حالا سؤال این است که در این نظم نوین جهانی مبتنی بر غذا چه اتفاقی خواهد افتاد و یا دورنما و پیش بینی چه خواهد بود؟ پیش بینی ها این است که با کاهش ارزش دلار، عملاً آمریکا با حذف دلار دچار سقوط اقتصادی خواهد شد. چین در عرصه غذایی نقش اول را ایفا خواهد کرد و شاید قرارداد ۲۵ ساله ما و چین در این زمینه به ما خیلی کمک کند. در این نظم نوین حجم بدهکاری کشورهای کوچک خیلی افزایش پیدا خواهد کرد، این مسائل و همچنین تحولات اوکراین و افزایش قیمت های انرژی به ما ضرورت ورود سریع تر به این عرصه را متذکر شد زیرا در گذشته رفتار بازار بین المللی مواد غذایی و نهاده ها نوسانات جزئی داشت مثلاً افزایش ۲ سنت یا ۵ سنت یا

حداکثر ۱۰ سِنت اما امروز این افزایش به ۵ دلار، ۶ دلار و یا ۱۰ دلار رسیده است، یا قیمت روغن ظرف ۳ ماه گذشته بیش از ۲/۵ برابر شده است و یا قیمت گندم، ۶۰٪ افزایش پیدا کرده است، همه این موارد در تصمیم گیری ما به لحاظ زمانی برای اجرای طرح مؤثر بود. البته لازم به ذکر است که پدید آمدن یک چنین وضعیتی در دنیا برای ما یک پیام مثبت هم دارد. شهید سلیمانی می فرمودند آنقدر که در بحران ها برای کشور فرصت ایجاد می شود در شرایط عادی حاصل نمی شود به شرط آن که بتوانیم از این شرایط درست استفاده کنیم، یکی از فرصت های طلائی که این افزایش قیمت های جهانی به دلایلی که عرض کردم ایجاد کرد ضرورت ورود شجاعانه دولت به عرصه جراحی بزرگ اقتصادی بود. البته قبل از شروع طرح، خیلی ها فضا سازی کردند که مثلاً ممکن است تبعات اجتماعی ایجاد کند. یا شورش های اجتماعی شکل بگیرد اما به هر حال با تمام این حرف ها و مسائل، دولت مصمم به اجرای این جراحی بود که بحمدالله انجام شد و با تدارک چند سناریو و چند الزام برای پیش و پس از اجرای طرح، فوری ترین اقدام، برداشتن یارانه آزاد از صنعت بود. آرد این ۲ بخش ۳۰ میلیارد بود که آزاد سازی آن را اعلام کردیم. چرا؟ زیرا قیمت جهانی آن مرتباً رو به افزایش بود، ما یارانه آرد را آزاد می کردیم و از آن طرف یارانه را

صادر می‌کردیم یا قاچاق می‌شد یعنی عملاً یارانه صادر می‌کردیم مثلاً حجم قاچاق خوراک گندم یا آرد ۴۸۲ هزارتن بود که ۲۵۰ هزار تن آن کشف می‌شد و بقیه خارج می‌شد یا مثلاً ۲۵۰ هزارتن ماکارونی صادر می‌شد آن هم به صورت یارانه ای و عرض کردم ما عملاً صادرات یارانه انجام می‌دادیم یا برای شیرینی و شکلات از آرد یارانه ای و روغن یارانه ای استفاده می‌شد و سپس صادر می‌شد، درحالی که باید مابه التفاوت آن گرفته می‌شد.

به هر حال پیش از اجرای طرح سه گام در دستور کار قرار گرفت:

- ۱- ارتقاء تأمین کالاهای اساسی تا در صورت قرارگرفتن در شرایط آزادسازی قیمت‌ها، مردم در فشار برای تهیه مایحتاج قرار نگیرند.
 - ۲- تبیین و روشننگری برای آن‌چه در حال رخ دادن بود آغاز شد.
- شبکه فروش و توزیع را به هنگام و بازسازی کردیم.

- ۳- پس از اجرای طرح نیز مجدداً تأمین را در اولویت کار قرار دادیم و در شرایط فعلی هم حمایت و صیانت از تولید و تولیدکننده در دستور کار قرار گرفته است. مثلاً برای تولید مرغ بازار به شدت جوجه ریزی تقویت می‌شود نکته بعدی آن است که تحریک تقاضا هم از اولویت های مهم امروز ما است

که اگر این اتفاق بیفتد پیش بینی ها این است که بازار به روال سابق با اندکی کاهش برمی گردد.

دقت کنید که پشت پرده کمپین های " نخریدن " کسانی هستند که از جراحی بزرگ اقتصادی ناراضی هستند، نخریدن یعنی تولید و تولیدکننده را هدف قراردادن برای وارد کردن خسارت و ضرر و انصراف او از تولید. لذا باید در بحث تبیین تحریک تقاضا را در دستور کار خود قرار دهیم.

نکته پایانی را هم در مورد ذخایر عرض کنم که به لطف الهی شبکه تأمین کالای اساسی ما امروز هیچ مشکلی ندارد و به اندازه کافی موجودی ذخایر داریم که اگر این آمادگی و این حجم ذخایر را نمی داشتیم اساساً وارد این جراحی بزرگ اقتصادی نمی شدیم. البته به علت شرایط و اقتضائات جهانی تعداد انبارها و حجم ذخایرمان را اعلام نمی کنیم که البته هیچ کشوری هم این کار را نمی کند ولی مردم ما خیال شان آسوده باشد که به لطف الهی میزان ذخایرمان در وضعیت بسیار خوبی قرار دارد و خوشبختانه در بازخوردی که از شروع اجرای این جراحی تا امروز داشتیم مردم همراهی بسیار خوبی داشته اند و علیرغم تلاش و قصد دشمنان برای تحریک و ناآرامی و آشوب با ناکامی مواجه شده و مردم بادولت در اجرای این طرح همکاری خوبی داشته اند.

